



پنداشته‌ها

سامانکاری



نویسنده ساز

نسخه‌ی الکترونیکی «پنداشته‌ها»
هدیه‌ای است از:

Shahinkalantari.com

Madresenevisandegi.com

پنداشته‌ها

نویسنده: شاهین کلانتری

ناشر: نویسنده‌ساز

کاری از: مدرسه نویسندگی

انتشار: ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ...

مدیریت هنری: مرتضی عباسی

استودیو چشمخانه

StudioChashmikhaneh.ir

سایه‌ی رنگین‌کمانی

سایه‌ات
با نوشتن سایه‌ات رنگین‌کمانی
سایه‌ات
می‌شود.

شاعر

شاعر کسی ست که از ناله‌های بی‌جده
نمی‌هراسد.

گوشماهی

چه کسی کلمه‌ی «گوشماهی» را ساخت؟
خود این واژه مانند شعری زیباست.

سؤال ورزی

بهترین ایده برای شروع نوشتن
طرح پرسش است.

مسیر یک نویسنده

تک تک آثار نویسندہای کہ
دوست داری بخوان.

کتاب‌های ناآشنا

حداقل هفته‌ای یک بار برای پرسه در
کتابفروشی‌ها وقت بگذار و به قفسه‌های
ناآشنا سر بزنی.

تمام کلمات

همیشه یک لغت نامه روی میز کارت
داشته باش و سعی کن به تدریج از
تمام کلمات لغت نامه در
یادداشت های روزانه ات استفاده کنی.

شغل تازه

**اگر حرف تازه‌ای برای گفتن نداری،
شغلی تازه را بیازما.
شغل‌ها منبع ایده‌اند.**

شنونده‌ی خوب

برخی از اهداف مامی تواند تلاش برای
شنیدن برخی از جملات از زبان دیگران
باشد، مانند این جمله:
«تو شنونده‌ی خوبی هستی.»

آخرین مهلت

«دیگر وقتی برای تلف کردن نمانده.»

هر جای زندگی این حرف را به خودمان
بزنیم، برنده ایم.

تجربه‌ی شخصی

هیچ چیزی به اندازه‌ی ایده‌ای که
سریع اجرامی شود انگیزه‌بخش
نیست.

بی ثمری

وقتی در زندان بی ثمری گیر کردی، از
عادات هایت فاصله بگیر و سراغ
کارهایی برو که هرگز انجام نداده‌ای.

معیار خوب گوش سپردن

اگر در پایان روز توانستی
گفت‌وگوهایت با دیگران را بی‌کم‌وکاست
روی کاغذ بیاوری، یعنی شنونده‌ی
خوبی هستی.

سوژه‌ی نوشتار

**بکوشیم درباره‌ی چیزهایی که
نمی‌دانیم بنویسیم؛ این کار ما را وادار
به جستجو و یادگیری می‌کند.**

هنر تنهایی

تنهایی
تشخیص می‌آورد؛ اگر تنها بودن را
بلد باشی.

وبلاگ و کتاب

یک وبلاگ خوب هم نوعی کتاب
است، کتابی با امکانات بیشتر.

قول

به خیلی از کلمه‌ها قول داده‌ام تا
در نوشته‌هایم از آن‌ها استفاده کنم.

از بد به خوب

حس بد محرک خوبی برای نوشتن
است.

ایده‌های کپکی

ایده‌هایی که اجرا نمی‌کنیم در سرمان
کپک می‌زنند.

نویسندگی یعنی ...

نویسندگی یعنی وادار کردن خود به
نوشتن.

ارتباط

دیگران آنچه می‌گویی نمی‌شنوند،
آنچه می‌خواهند پرداخت می‌کنند.

شرط تغییر

گاهی تغییر فقط با دست کشیدن
از بهترین دست یافت‌هایمان ممکن
است.

پیدایشگاه

یادداشت‌های روزانه پیدایشگاه
ایده‌های تازه است.

فرصت آفرین

هر روز به خودمان یادآوری کنیم که
نوشتن فرصت آفرین است.

کلمات آشنا

با کلمات نویسندگان محبوبت
بنویس.

ضد ضد حال

نوشتن هنر حال کردن با ضد حال
است.

خیره شدن به کاری که دوست داری

خبرگی
در خبرگی ست.

ستیز و آویز

نوشتن نمود ستیز و آویز درونی است.

برای عمیق شدن

از حواسپرتی که بکاهی
سروکله‌ی تفکر عمیق پیدای شود.

دیدن

گفت:
می نویسم تا زشتی زیبایی و
زیبایی زشتی را ببینم.

سختگیر باش

**طبع آسان‌پسند رفتن به ژرفا و
رسیدن به بلندای مهارت را دشوار می‌کند.**

کارهای تازه بکن

در باتلاق تشویق و تحسین
دست و پا نزن. نگذار موفقیت در یک کار
تو را به تکرار همان کار وادارد.

با نوشتن به رفتار بیندیش

بیش از انجام هر کاری حداقل سه
جمله بنویس.

برای خلق تجربه‌های تازه

وقتی خسته و کلافه‌ای سراغ
گریزگاه‌های همیشگی‌ات
نرو.

مقایسه بی مقایسه

مقایسه تمام زیبایی‌ها را تباہ می‌کند.

همین حالا شروع کن

هیچ زمانی بهترین زمان ممکن
برای شروع کردن نیست.

آینده

**آینده سطل آشغال نیست که همه کارها
را در آن تلنبار کنیم.**

خلاف آمد عادت

نوشتن عادت
عادت زداست.

آموزگار

هر کس که یک قدم از من جلوتر
است می تواند آموزگارم باشد.

نگارش تأمل برانگیز

با هر واژه سؤال بساز.

آدم‌واژه

اگر بنا بود کلمه باشم «مهربانی» را
برمی‌گزیدم.

امید به یادگیری

به خاطر ناتوانی در یک کار علاقه‌ی
خودت به آن کار را زیر سؤال نبر.

آیا می‌توانی

گام نخست ایده‌یابی:
بیکارنشتن را بیاموزیم.

اندازه‌گیری

برای هنرت
بیشتر وقت می‌گذاری
یا موبایلت؟

نوعی انتقام

یادگیری نوعی **انتقام** است.

ارتقای تجربه

**اگر ننویسیم تجربه‌هایمان را
تباه می‌کنیم.**

شهادت شروع، شروع شهادت

نوشتن شهادت شروع کردن
هر کاری را به تومی دهد،
به شرط آنکه شهادت شروع نوشتن را
داشته باشی.

فرستی برای بهتر شدن

هر چه بیشتر می نویسم بیشتر به این
نکته پی می برم:
نوشتن فرستی برای بهتر
شدن است.

ملات

نوشتن ملات زندگی من است. با
آن تکه‌های پراکنده‌ی
زندگی‌ام را به هم می‌چسبانم تا به
انسجام بیشتری برسم.

فقط وقتی می نویسی

فقط وقتی می نویسی، می فهمی چقدر
محتاج نوشتن بوده‌ای.

مشوق

بگذار نوشتن، مشوق اصلی تو باشد.

کتاب‌نویسی

اول دربارهی کتاب‌ها بنویس،
بعد کتاب بنویس.

کوهنوردی در اتاق

نوشتن یعنی
کوهنوردی
در اتاق.

بی شخصیت

بی نوشتن بی شخصیتیم.
با نوشتن است که می توانم چکش و
سنباده دستم بگیرم و شخصیتم را
بسازم و صیقل بدهم.

همیشه در اول راهی

در مسیر نویسندگی هر چه
پیش می‌روی تازه می‌بینی اول راهی.

سلیقه‌ای که ارزش پروردن دارد

سلیقه‌ی انتخاب
کلمات مناسب.

اولویت

**بزرگترین شکست مادر زندگی شکست
در اولویت بندی است.**

*

پایبندی من به اولویت هایم ناشی از
گفت وگویی درونی میان **دو من** است
که یکی دیگری را به دورنگری و ترجیح
دستاوردهای بلندمدت به لذت های
کوتاه مدت تشویق می کند.

کول خور

کول دیگران را نخوردن ساده است؛
سخت‌ترین کار دنیا این است
که گول خودت را نخوری.

حوصله‌ی کلمات

گاهی اوقات فقط حوصله‌ی
خواندن فرهنگ لغات را
دارم.

نشانه‌ی بارز

بارزترین نشانه‌ی

وقت تلف کنندگان:

آنها برای شروع کارها در انتظار زنده شدن

ساعتند.

در پی کاری ارزشمند

**باید عرق بریزی تا بفهمی باید برای
چه چیزی عرق بریزی.**

تلقین

نالیدن از کمبود وقت **منجر به** کمبود وقت
می شود.

یادگیری

وقتی از برخی کارهایم آزاده می شوی،
خوشحال می شوم، زیرا میاموزم
که دیگر با آن کارها سبب رنجش تو
نشوم.

تلخ و شیرین

گاهی به اتفاقی تلخ نیازمندیم
تا شیرین‌ترین تصمیم
زندگی مان را بگیریم.

خودتان را محروم نکنید

جمله‌ی کلیشه‌ای کتابخوان‌های آمازون:

ما کتاب‌هایی که داریم نخوانیم، کتاب جدید نمی‌خرم.

فصل تو

آیا می‌توانی به هر کتابی که می‌خوانی
فصل تازه‌ای بیفزایی؟

حتایک نفر

تا وقتی حتایک نفر تو دنیا ناخوشه،
خوشی واقعی محاله.

زیباسخن

نمی خواستم از آدمایی باشم که با
حرفزدن زیباترین.

کمالگرایی + عملگرایی

کمالگرایی ضرورت دارد به شرط
آنکه عملگرا باشیم.

دست نوشتن

نوشتن دستی ست که تو را به خودت
می‌رساند.

خود واقعی

خود واقعی یعنی خودی که
شجاع است؛ یعنی خودی
که بی شباهت به عموم
آدم‌هاست.

به عشق کلمه‌ها

نوشتن به عشق کلمه‌هایی که
دوست داری.

شعر یا معما؟

معما ساختن با کلمات را شعر نمی دانم و
نمی پسندم. بخش زیادی از شعر جدید
ما صرفن مشتی معمای حل نشدنی ست.

اصرار بر نوشتن

اصرار بر نوشتن همیشه سر از جای
خوبی درمی آورد.

با و بی نوشتن

تباھی عمر با نوشتن
به از تباھی عمر بی نوشتن.

دیوار

هر آدمی یک دیوار است
که روزی هم ناگزیر فرو می‌ریزد.

از نوشتن

بیهانہ ی نوشتن را
سوژہ ی نوشتن کن.

دور و نزدیک

بزرگترین بی‌خردی ما زمانی
است که به افکار نابخردی که نزدیک
ماست، بیش از خردمندی که
دور از ماست توجه می‌کنیم.

اینور ماجرا را هم ببینیم

اینکه پیام دادن به دیگران
راحت تر شده به این معنا نیست که
جواب دادن به پیام ها هم
راحت تر شده است.

کلیشه‌های نسبی

چیزی که برای ما کلیشه‌ای است شاید
برای دیگران بکر و تازه باشد و
برعکس.

شاخص

هر وقت کمتر از کار دیگران ایراد گرفتی،
یعنی بیشتر سرگرم کار خودت
هستی.

با همهی تردیدها

تمایزِ نمره‌ی عمل قاطعانه با وجود
همه‌ی تردیدهاست.

قدرت تغییر

اگر نمی توانی تغییر کنی،
هیچ کار دیگری هم نمی توانی بکنی.

کلمه = ایده

هر کلمه ایده‌ای بی انتهاست.

سوژہی نوشتن

از چه می گریزی؟
از همان بنویس.

شوق افزایی

به همه بگو که چقدر به خاطر انجام
کار مورد علاقه ات خوشحالی، شاید
آتش شوق آنها را هم برانگیختی.

دفترچه‌ی محافظ

دفترچه‌ای داشته باشیم برای ثبت
جملات مهرآمیزی که از زبان
دیگران می‌شنویم.
مرور این دفترچه منجی مادر تاریکی و
تنگناست.

توصیه‌ی مناسب

حرفی که یک نفر در نقطه‌ی
هشتاد می‌زند، شاید برای تو که در
نقطه‌ی ۵۵ ایستاده‌ای هیچ مناسب
نباشد.

مثال:

شاید یک نویسنده‌ی پرسابقه نیازی
به زیادنویسی نداشته باشد و بگوید
گهگاهی که حسش باشد می‌نویسد، اما
برای نویسنده‌ی نو یا افزایش کمیّت تولید
نخستین اولویت است.

اراده

اگر اراده‌ی خاموش کردن موبایل را
نداری، اراده‌ی آفریدن چیزی
ارزشمند را هم نداری.

هر روز از زندگی

هر روز از زندگی می‌تواند مانند اثری
هنری باشد اگر...
همیشه به ادامه‌ی متفاوتی برای
این جمله بیندیشیم.

معنای خلاقیت

اگر می‌خواهی با یافتن نمونه‌ی مشابهی از
ایده‌ات در میان آثار موفق، خلاقانه بودن
آن را تصدیق کنی، پس معنای خلاقیت و
نوآوری چه می‌شود؟

هر خری

به هر خری می توان به چشم منبع الهام
نگریست.

ساختن به جای یافتن

آدم خلاق و تکرور داری یافتن شغل
خوب نیست، برای ساختن آن
می کوشد.

همیشه خلاق

هیچ فرد خلاقى خلق ایده‌هاى
تازه را به خاطر ناتوانى در به سرانجام
رساندن ایده‌هاى قبلى متوقف
نمی‌کند.

اهمیت ته کشیدن

خلاقیت در تولید محتوا از زمانی آغاز
می شود که تمام دانسته های ت را منتشر
کنی و دیگر چیزی برای
گفتن نداشته باشی.

هنگام راه رفتن

مادر پیاده روی شکوفا
می شویم. ممکن است فردی که
خود را بی استعداد می داند، هنگام پیاده روی
به چشمه هایی از ذوق و
خلاقیت خود برسد.

دلیل نگرانی های بزرگ

منشأ مهلک ترین نگرانی های ما متعلل
در انجام کارهایی ست که عمیقن به
اهمیت انجام آن هایی برده ایم.

باور رسیدن

برای تحقق اهداف، بیش
از تکنیک و ترفند، به باور رسیدن
نیازمندیم.

موسیقی

از نشانه‌های تباهی یک روز:
نشیدن موسیقی کلاسیک.

شکوه تنهایی

تنهایی چراغ جادو است.

ترجیح

ترجیح‌آینه
چیزی که آباده آباد نگه دارم
تا چیزی که خرابه درست کنم.

استمرار

**جدیت توفیق زمانی به دیگران
اثبات می شود که در کارت تداوم
داشته باشی.**

تعریف تازه کار

تازه کار کسی است که کارهای تازه می کند، حرف های تازه می زند و مرزهای قلمروی حرفه اش را گسترش می دهد. او **شهامت تغییر** دارد و در بند قواعد نمی ماند. تازه کار با کهنه ها آشناست و **از دل کهنه ها حرف های تازه** بیرون می کشد.

من که دوست دارم همیشه در هر کاری **تازه کار باشم و تازه کار بمانم.**

عامل تمایز

عامل اصلی تمایز تو، روحی است
که در کارهایت می‌دمی.

شانس تکرار

برای موفقیت‌های کوچکمان جشن
بگیریم. اینطوری بر شانس
تکرار آن‌ها می‌افزاییم.

زندانی از آن خود

پاسکال گفت «گرفتاری بشر از آن روست
که نمی تواند تنها در یک اتاق
بند شود.»

حالا موبایل و سوسه ی
بیرون زدن از اتاق را رفع می کند اما
خود به اتاقی تبدیل می شود که کمتر
کسی یارای بیرون زدن از آن را دارد.

شوق

بازنده‌خواهیدن اشکال
ندارد، مهم این است که به شوق
برنده‌شدن بیدار شوی.

برعکس

تنها چیزهایی که نباید تحمل
کنی چیزهایی هستند که میل بیشتری
به تحمل آن‌ها داری.

روش شخصی

هر وقت متوجه شدی هیچ روش
معینی برای خوب زندگی کردن وجود
ندارد، می توانی روش شخصی
خودت را برای خوب زندگی کردن بسازی.

تنها حسرت

تنها حسرت من در پایان عمر شاید همین
باشد:

**چرا بیشتر پیاده روی
نکردم؟**

حاشیه‌ی امن

احساس می‌کنی درمانده و پریشانی، هیچ
دستاورد بزرگی نداری و هر روز بیشتر در رخوت و
افسردگی فرو می‌روی. **می‌دانی چرا؟**
چون فقط کارهایی را انجام می‌دهی که
فکر می‌کنی از پس آن‌ها بر میایی.

لحظه‌های تسلی بخش

هر چقدر هم که تلخی زندگی
پررنگ جلوه کند، باز هم در لحظاتی
حس می‌کنی زندگی بی اندازه
زیباست.

تعریف شخصی

تعریف آدم قوی: او حتا با حال بد هم
می تواند کارهای خوب بکند.

برخلاف تصور

اغلب کارهای واقعن
اثر بخشی که در زندگی انجام
داده‌ام آن‌هایی بوده‌اند که در ابتدا
خودم را از انجامشان ناتوان دیده‌ام.

آگاهی

دردش این است
که می داند دردش چیست.

بیزار

چه بر سر انسان می آید

وقتی از انسان بودن خود بیزار باشد؟

کاشف

آنکه می نویسد کاشف شیوه‌های
بهتر زیستن است.

جواني

جواني مي سوزانيم آقا،
جواني.

ته ماجرا

به جایی می‌رسی که راهی جز
پرسیدن و پرسیدن و
پرسیدن و پرسیدن
نمی‌ماند.

حوصله‌ی بررسی

هر چیزی که
حوصله‌ی ما را سر می‌برد، موضوعی
جدی برای بررسی است.

نویسندای

نویسندای چون می خواهی آدم‌ها را از
برخوردت با کلمات غافلگیر کنی.

مثل صدای پرندگان

فکر می‌کنم این را چند سال پیش وقتی
از سرو صدای کارگاه ساختمانی
بغل دفترم کلافه شده بودم،
نوشتیم:

صداهاى مزاحم را تاب می‌آورم،
خیال می‌کنم این‌ها هم صدای
نوعی پرنده است.

ذوق ذهن

وقتی برای شروع نوشتن منتظر ایده
می مانی، ذوق ذهنت را کور می کنی و شاید
هیچی ننویسی؛ اما وقتی بدون طرح و
ایده ی قبلی، بی درنگ نوشتن
میاغازی، پاداش اعتماد به ذهنت
را پس از بیست سی دقیقه، با بهترین
ایده ها می گیری.

تنهایی ناب

تنهایی ناب و سازنده زمانی حاصل
می شود که دست از اثبات خودت به
دیگران بکشی.

معیار

باید با ویراستاری کار کرد که دست کم
اندکی زبان‌شناسی می‌داند.

تکان نخور

میل رفتن به لایه‌هایی دیگری از
یک کار، رابطه یا هر چیزی همیشه خوب
نیست. گاهی هنر در ماندن در یک
لایه‌ی مشخص و تکان نخوردن از جای
خود است.

خلاقانه نوشتن

امروز در کارگاه تمرین نوشتن گفتیم:
غلطِ غیرکلیشه‌ای بهتر
از درستِ کلیشه‌ای است، چون خالق
اولی با ممارست بیشتر توان خلق
درستِ غیرکلیشه‌ای را هم
خواهد یافت.

اصرار نکن

حالت بده، چون فکر می کنی «باید»
حالت خوب باشه.

نجات ذهن

و نوشتن برای نجات ذهن از
هجوم رسانه‌های اجتماعی است.

جدی

آدمی که خودش را جدی نمی گیرد،
بیشتر جدی می گیرم.

تبدیل ایده به افسوس

صبح امروز ایده‌ی خوبی به ذهنم رسید،
چنان خوب که گفتم **محال است** از
یادم برود؛ اما دود شد رفت هوا!
اگر ایده‌ای خوب به نظر می‌رسد حتمن
ارزش **ثبت فوری** هم دارد. حتادر
بدترین شرایط و احوال هم یادداشت کردن ایده
ضرورت دارد.
ایده‌ی از دست رفته افسوس و اندوه می‌شود.

برداشت مشترک از کلمه‌ها

پیش از جدی شدن بحث
معنای کلمه‌های مهم گفت‌وگو را از هم
بخواهیم.

چشم و گوش مضاعف

وقتی دست به قلم می شوی
چشم و گوشت دو برابر باز می شود.

شوق آموختن

نوشتن شوق آموختن ایجاد می کند.
هر چه می آموزی مایه ی نوشتار
توست.

ساختن

باصراحتات مرا بساز.

صریح

اگر کارت ضعیف است اما
توقعت بسیار، یا توقعت را تعدیل کن یا بر
کیفیت کارت بیفزای.

دلیل

می نویسم چون بانوشتن خودم را
بہتر خستہ می کنم.

شعر درون کلمه

در پی شعری که از **ذره بین** گرفتن
روی کلمه زاده می شود.

هنر چسبیدن

اگر بین نوشتن‌هایت فاصله بیفتد
دوباره مجبوری از صفر بیاغازی. هنر
نوشتن هنر دورنشدن از نوشتن است.

ترویج نوشتن

ترویج نوشتن ترویج
خواندن هم هست.

خلاق شدن

کوشش برای خلاق شدن یعنی آمادگی
برای بیشترین درد و بیشترین
لذت.

بدیهیات

نوشتن از بدیهیات همیشه بد
نیست، به شرط آنکه از بدیهیات
به بدیهیات نرسی. بسیاری از بهترین
مقاله‌ها از بدیهیات آغاز می‌شود و
به غیر بدیهیات می‌رسد.

نگرانی

تامی نشینی بنویسی نگران

کارهای نکرده‌ات می‌شوی؟

وقتی می‌توانی حرفه‌ای شوی که

بی‌اعتنایی به این نگرانی را بیاموزی.

ضدسوزش

تومی نویسی که کم‌تر احساس سوزش کنی،
که حس کنی **عمرت** را مفت از چنگ
نداده‌ای.

عشق ورزیدن به زبان هم بخشی از ماجراست

امروز کلی قربان صدقه‌ی زبان
فارسی و ظرفیت فراوانش برای
ساخت کلمات تازه رفتیم.

فکرهای پنهان

از میان یادداشت‌های قدیمی ام:

«می‌خواهم آن قدر تند و زیاد
بنویسم تا فکرهای پنهان، فکرهای
سرکوب شده بالا بیایند.»

فراموش نکنم

چرا این حرف آن سکستون را ده هزار
بار برای خودت تکرار نمی کنی «گاهی
اوقات ده صفحه چرندیات محض می نویسم تا به
یک جمله ی خوب برسیم.»؟

فهرست افسوس‌ها

از افسوس‌ها:

چرا فلان کتاب را تا آخر نخواندم؟

جالب شدن

**بیشتر آدم‌ها کتاب می‌خوانن تا آدمای
جالب‌تری بشن. و این هیچ میل بدی
نیست.**

چُرَت بزن

گاهی یه چُرَت کوچیک همه چیزو
درست می کنه؛ پامی شی می بینی
قدرت هزار برابر شده.

برای تمرین جمله‌نویسی

چند تا کلمه‌ی عینی
(اسم ذات) بردار و مدام درباره‌ی آنها
بنویس.

میل ساختن

وقتی هیچی دم دست
نیست تا با آن چیزی بسازی متوسل
می شوی به کلمه‌ها.

ارجح

نوشتن خزعبل خیلی بهتر از
خواندن آن است.

خواب‌ستیزی

ستیز با خواب بیجاست. به جای دشمنی
با خواب به استفاده‌ی بهینه از لحظات
بیداری فکر کنیم.

آسانسور

از میان یادداشتهای قدیمی ام:

«بله، به گفته‌ی شما موفقیت آسانسور

ندارد و باید از پله‌ها بالا برویم. اما

نقش خلاقیت این وسط چیست؟

خلاقیت قرار است ما را به آسانسور

موفقیت برساند، برای موفقیت آسانسور

بسازد.»

اعداد مخصوص تو

برای رسیدن به نظم ذهنی به عدد
نیاز داری. باید اعداد مخصوص
خودت را پیدا کنی. مثلن من می دانم
که هر روز باید ده تاده دقیقه بنویسم.

اتلاف انرژی

**صبح تا شب به این فکر می کنیم که
فلان رؤیایمان را دنبال کنیم یا نه.**

همه چیز

در یکی از یادداشت‌های قدیمی ام نوشته‌ام:

«کسی که کلمه دارد همه
چیز دارد.»

نامه بنویسیم

نامه بنویسیم، اول از همه به خودمان.
هر روز به خودمان چندین و چند نامه
بنویسیم.

رازآلود؟

صحنه‌ی رازآلودی ست: کسی پشت
میزی نشسته و فقط می‌نویسد، بی‌که
کار دیگری بکند، فقط می‌نویسد،
بی‌وقفه می‌نویسد، بی‌اندازه
می‌نویسد.

نقلیه

نوشتن وسیله‌ای است که با آن می‌توانم
در هر نقطه‌ای به هر کجا که
می‌خواهم بروم.

عادت

از علاقت با ساختن عادت‌های روزانه
محافظت کن.

پنج بازی

هر وقت ۵ نفر آدم پیدا کردی که
توانستی ۵ کتاب را ۵ بار با آنها
بخوانی یعنی خیلی خوشبختی.

برای گریختن

نوشتن نقشه کشیدن برای
فرار از زندان است.

آفوريسم

**بديهي بودن آفوريسم ضعف
نيست، مهم اينه كه خودت بهش رسيده
باشي.**

شعر ناب

هر حرف صادقانه‌ای
یه جور شعره.

زخم

زخم چیزی است که
نمی نویسی.

گزینان از رخوت

به هر چیزی و کسی که مرا به
رخوت دعوت کند بدبینم.

تلقین تأثیر

چه اصراری داری که خودت را
تِه تِه بن بست بینی
و هر راه حلی را بی حاصل؟
راه حل زمانی نتیجه می دهد که
کمی هم اثر بخشی آن را به خودت تلقین کنی.

جزئیات مایه‌ی اصلی یادآوری ست

در آینده

بی اندازه افسوس خواهی خورد
اگر یادداشت‌های روزانه‌ات را با
جزئیات کامل ننویسی.

آسیب کارهای کوچک

انگیزه و انرژی انجام کارهای
بزرگ را وقتی به دست میاوریم که
کارهای کوچک را کنار بگذاریم. کارهای ریز
و کم حاصل عامل حواسپرتی و
بی‌پانته‌ی به تعویق انداختن کارهای
ارزشمندند.

مارپله

دیشب تا صبح توی خواب به خودم
می گفتم این چند جمله را بنویس:
«اینجادر بازی مارپله ای هستیم که
یک خانه در میان نیش مار است، بی
هیچ پله ای.»
صبح که پا شدم زیاد چنگی به دلم نزد،
ولی زمینه ساز طراحی تمرینی تازه برای
کارگاه تمرین نوشتن شد.

سئو

دنبال بهترین نوع ارتباطات
اینترنتی هستی؟
در موضوعی که می پسندی، رتبه های
بالای نتایج جستجوی گوگل را به
دست بیاور.

خوبی

می‌کوشی خوبی آدم‌ها را بیشتر به
خاطر بیاوری یا بدی آن‌ها؟

ناکام

آنکه فقط به زدن حرف‌های تازه
می‌اندیشد، هیچ حرفی
نخواهد زد.

شِیفتگی

آسمان ابری به همه چیز می‌ارزد.

کم کلمه

نویسنده‌ی کم کلمه
راه به هیچ کجا نخواهد برد.

بارانشهر

کاش در بارانشهر می زیستم.

همین

مثل آشناسدن
با کلمه‌ای ناشناخته.

از میان یادداشت‌های روزانه

نوشتن بهترین کاری است که می‌توانم
برای رؤیاهایم انجام بدهم.

در پی احساسات تازه

از چیزهایی که در تو احساس تازه
ایجاد می کنند استقبال کن، آنها
زمینه ساز شکل گیری افکار تازه اند.
پیشنهاد: **رمان بخوان**. رمان با
کمترین هزینه و بیشترین تنوع و کیفیت
می تواند **خالق احساسات تازه**
باشد.

اتلاف وقت

بدترین نوع اتلاف وقت زمانی رخ می دهد که
تو نمی دانی کاری که انجام می دهی اتلاف
وقت است.
آیا جرأت داری از این منظر به
عملکردت بنگری؟

تبدیل مانع به محرک

وقتی حرفه‌ای می‌شوی که مانع نوشتن
را به محرک نوشتن تبدیل کنی.

انتشار

ذهنم تنها زمانی تنظیم می شود که
بخشی از نوشته هایم را منتشر می کنم.

دل‌تنگ

دل‌تنگ کتابی بود که هرگز نخوانده بود.
دل‌تنگ آدمی بود که هرگز ندیده بود.
دل‌تنگ دیواری بود که بر آن تکیه نداده بود.
دل‌تنگ جنگلی بود که پایه آن نگذاشته بود.
دل‌تنگ...
دل‌تنگی برای نادیده‌ها و ناشناخته‌ها را
بیشتر می‌پسندید.

ما مجراها

دوستی در جلسه‌ی امروز نویسندگی
خلاق گفت:

«من خودم مجرام».

بله، ماکه مشتاق نوشتنیم، هر کدام خود

یک مجراییم. مجراپنداشتن خویش

بِهانه‌ای همیشگی برای نوشتن
است.

درجا

نوشتن برای
غلبه بر درد درجا زدن.

حوصله‌ی یادگیری

**آنکه همه چیز را «ساده» می‌خواهد،
اغلب بی‌مایه‌ترین چیزها نصیبش می‌شود.**

زاده‌ی ابهام

نوشتن از همان دری وارد زندگی تو
می‌شود که یقین و قطعیت از آن خارج
شده است.
میل نویسندگی زاده‌ی ابهام است.

وقتی در یادداشت‌های روزانه‌ام بیش از حد به خودم می‌اندیشم

مگر می‌توان میل به فلسفیدن درباره‌ی زندگی خویشتن را نادیده گرفت؟

ایده‌آل

کاش هر جمله‌ای که از دهن آدم میاد
بیرون مثل یه شعر باشه؛ اما نه مثل اون
مزخرفات کهنه‌ای که اغلب آدم‌ها شعر
می‌دونن. یه شعر بی زلم زیمبو
باشه مثل این:

«به تو حسودیم می‌شه

هر وقت دلت بخواد

می‌تونی ترک کنی منو

اما من نمی‌تونم

ترک کنم خودمو.»*

*آنا اشویر، کتاب «دارد هوا که بخواند»،

ترجمه‌ی محمد رضا فرزاد

ته تکرار

کاش یک جا، قرص و محکم
به خودت بگویی «تکرار بس، تکرار
بس، تکرار بس.»؛ از دور باطل بیرون
بزنی و فقط جاهای جدید بروی و
کارهای نوبکنی و حرف‌های
تازه بزنی.

پذیرش ضعف‌ها

می‌خواهی خوانندگان دوستت بدانند؟
نقص‌هایت را پنهان نکن.

از میان نامه‌ها

نق و ناله‌ها هم هیچ به کارت نخواهد آمد.
گلایه‌هایم برای خودم،
امیدهایم برای تو.

تصمیم‌گیری حین نوشتن

سراغ نوشته‌های پارسال و پیرارسال و پس‌پیرارسال
نرو. وحشت می‌کنی از اینکه هنوز همان
درد‌ها و دغدغه‌ها را داری، از اینکه
رشدت به چشم نمی‌آید. نرو، هیچ وقت
تا مطمئن نشدی سراغشان نرو. اطمینان
از چی؟ از دگرگونی مشهود؛ اما
بزرگ‌ترین دگرگونی هم چون به تدریج
صورت گرفته شاید چندان به چشم نیاید.
می‌بینی که راهی برای اطمینان یافتن
نیست. پس برو، سراغ نوشته‌های
پارسال و پیرارسال و پس‌پیرارسال برو،
شاید چیزی برای غافلگیر شدن یافتی.

نمی دانم

نمی دانم، نمی دانم، نمی دانم،
نمی دانم. در نوشتن، از تکرار هیچ
کلمه‌ای اندازه‌ی
تکرار «نمی دانم»
لذت نمی برم.

استادانه خواندن

هر کتابی بخوان، به کتاب‌های مختلف
نوک بز، هزاران کتاب را سطحی
و سرسری بخوان؛ اما علاوه بر این، یک
کتاب، فقط یک کتاب را خیلی
خوب بخوان، استادانه بخوان.

خزعبلات

نوشتن خزعبل خیلی بهتر از
خواندن آن است، لاقلاً اینطوری قلمت
روان می شود.

پیلہی گذشتہ یا دامن فردا؟

نوشتن، ہم می تواند تو را در پیلہی
گذشتہ ها نگہ دارد ہم می تواند تو را
از بند گذشتہ برہاند و در دامن فردا
بگذارد.

ایده

هر تصمیم ایده‌ای برای
نوشتن است.

تنظیم مغز

نوشتن مغزم را تنظیم می کند.

معرفی

معرفی مفید و مختصر و
جذاب خودت را مدام تمرین کن.

حین پیاده روی

با آدم‌های بانگیزه و خلاق حین
پیاده روی حرف بزن؛ دستاورد چنین
گفت وگویی هزار برابر است.

یکی مرد جنگی

داشتن صد مخاطب عمیق،
هزار برابر بهتر از داشتن یک میلیون مخاطب
سطحی است.

حتایک پاراگراف

از کتابهای نخوانده‌ات حتا
اگر یک پاراگراف هم بخوانی عالی
است.

انتظار خلاق

همیشه دنبال کتابی بگرد که در
زندگی ات معجزه‌ای بزرگ ایجاد
کند. شاید هرگز چنین کتابی را
نیابی، اما چنین انتظاری دستاوردهای
بی شماری دارد.

معیار انتخاب کتاب

چیزهایی بخوان که بی سوادیت را به
رخت بکشند.

کار مورد علاقه

کار مورد علاقه‌ی تو کاری است که
دوست داری درباره‌ی آن بیش‌تر و
بیش‌تر و بیش‌تر یادگیری.

بہانہ آلود

علاقات را بہ بہانہ آلودہ
نکن.

تمرکز

هر وقت کمتر از کار دیگران ایراد گرفتی،
یعنی بیشتر سرگرم کار خودت
هستی.

همیشه

همیشه در حال نوشتن یک کتاب باش،
حتی اگر تنها خواننده‌ی آن
خودت باشی.

بهره‌وری

زمانی را که صرف سرزنش خودت به‌خاطر
عقب‌انداختن کارهایم کنی صرف
انجام همان کارهایم کن.

نورینه سار